

بررسی رده‌شناسی ترتیب سازه‌ها در گویش لری ممسنی

آمنه زارع^۲

مریم محمدی^۱

محمدحسین شرفزاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ترتیب و چینش سازه‌ها در گویش لری ممسنی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی از منظر رده‌شناسی براساس الگوی گرینبرگ (۱۹۶۳) و الگوی اصلاح‌شده درایر (۱۹۹۲) است. داده‌های پژوهش به صورت کمی و کیفی از طریق مصاحبه حضوری با ۴۵ نفر از گویشوران بومی، بدون در نظر گرفتن جنسیت در قالب ۶۵ ساعت گفتار آزاد و ۴۵ پرسشنامه گردآوری شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که لری ممسنی در مقایسه با گروه زبان‌های اروپا-آسیا و همچنین در مقایسه با گروه زبان‌های جهان، به زبان‌های فعل‌میانی قوی گرایش بیشتری دارد. این گونه زبانی با وجود شباهت بسیار در الگوی کلی ترتیب واژه با فارسی معیار در خصوص حروف اضافه و عناصر نحوی و توالی قید حالت و فعل تفاوت‌هایی با فارسی معیار و سایر داده‌های رده‌ای جهانی دارد. برخی از حروف اضافه در لری ممسنی دارای تکواژگونه‌های مختلفی هستند که قبل و بعد اسم واقع می‌شوند. همچنین گروه حرف اضافه و قید حالت قبل و بعد از فعل واقع می‌شوند که مغایر با فارسی معیار است.

واژگان کلیدی: چینش سازه‌ها، درایر، رده‌شناسی زبان، لری ممسنی، مؤلفه‌های رده‌شناختی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران. (نویسنده مسؤول) ✉ a86.zare@yahoo.com

۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران

۱- مقدمه

در رده‌شناسی زبان^۱ با بررسی شباهت‌های زبانی محققان سعی دارند الگوهای همگانی‌های زبان را تبیین کنند. در مطالعات رده‌شناسی یکی از مطرح‌ترین معیارهای ارزیابی، الگوی ترتیب واژه^۲ یا دقیق‌تر ترتیب سازه^۳ است که آغاز این مطالعات را عموماً به گرینبرگ^۴ (۱۹۶۳) نسبت می‌دهند. درایر^۵ (۱۹۹۲) الگوهای همگان شمولى گرینبرگ را ارتقا و نشان داد که یکی از اصول مهم برای رده‌بندی زبان‌ها ترتیب فعل و مفعول و همچنین توالی اسم و حرف اضافه است. درایر (۱۹۹۲) چارچوبی ارائه داد که در آن زبان‌ها با ۲۴ مؤلفه طبقه‌بندی شدند. مطالعات رده‌شناختی بسیاری بر زبان‌های جهان و همچنین زبان فارسی معیار و دیگر زبان‌های ایرانی نو شده‌است، برای مثال، دبیرمقدم (۱۳۹۲)؛ داوری و گیونشویلی^۶ (۱۳۹۲)؛ داوری و کوبی (۱۳۹۶). این مطالعات به شناخت ماهیت و گسترش استفاده از این زبان‌ها و گویش‌ها و جلوگیری از فراموشی آنها به افراد کمک خواهد کرد. درخصوص لری ممسنی متأسفانه تاکنون مطالعه ژرف و گسترده‌ای نشده و این در حالی است که این گونه زبانی ویژگی‌های رده‌شناسی خاصی متمایز از زبان‌های دیگر ایرانی مانند فارسی معیار دارد. همچون سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، این گونه زبانی نیز نیاز به ثبت و حفظ دارد که می‌تواند دریچه‌ای نو به روی مطالعات زبان‌های ایرانی برای سایر پژوهشگران بگشاید.

این پژوهش با اتخاذ دیدگاه رده‌شناختی که یکی از رهیافت‌های مطرح در زبان‌شناسی است به مطالعه ترتیب واژه لری ممسنی از گونه‌های جنوبی غربی ایران در استان فارس براساس مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه درایر (۱۹۹۲) می‌پردازد تا مشخص شود که با توجه به رفتار متفاوت سازه‌ها به لحاظ رده‌شناختی ترتیب واژه همبستگی میان پارامترهای زبانی در گونه لری ممسنی چه ویژگی خاصی دارد، نیز با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده از دیدگاه رده‌شناختی ویژگی‌های مشترک و غیرمشترک لری ممسنی و فارسی معیار کدام هستند.

۲- پیشینه پژوهش

بنیان مطالعات رده‌شناسی را گرینبرگ (۱۹۶۳) پایه‌گذاری کرد. وی از جهانی‌هایی تحت عنوان رده‌شناسی زبان صحبت کرد که رویکرد نوینی در زبان‌شناسی محسوب می‌شود. در این الگو

1. language typology
2. word order
3. constituent order
4. J. Greenberg
5. M. Dryer
6. Giunashvli

زبان‌های جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: SOV, VSO, SVO. یعنی زبان‌های فعل‌پایانی، فعل‌میانی و فعل‌آغازین. درایر (۱۹۹۲) این ترتیب رده‌ها را ارتقا داد و هم‌زمان الگوهای این ترتیب واژه‌ها را با معیارهای زبانی که گرینبرگ ارائه داده بود کامل کرد و به‌طورکلی ۴۵ همگانی تلویحی ارائه داد. یکی از بنیادی‌ترین معیارها در الگوهای ترتیب واژه مطرح‌شده نوع حرف اضافه است؛ زبان‌های فعل‌پایانی دارای حرف پیش‌اضافه، زبان‌های فعل‌آغازی دارای پس‌اضافه و فعل‌میانی دارای ترکیبی از این دو هستند. در رده‌بندی گرینبرگ یکی از مهم‌ترین الگوهای طبقه‌بندی زبانی جایگاه فعل و مفعول و ویژگی‌های مربوط به آنهاست. بعدها پژوهشگران دیگری مانند ونه‌مان^۱ (۱۹۷۴) و هاوکینز^۲ (۱۹۸۳) با مطرح کردن اصل هماهنگی بینامقوله‌ای تغییراتی اساسی در الگوی جدید رده‌ای زبان ارائه دادند. در مطالعه ترتیب سازه‌های زبان، ونمان و هاوکینز هر دو بین جایگاه هسته-وابسته در جمله و ارتباط آن با رده زبانی بر مبناهایی چون زبان‌های هنجار^۳ و ناهنجار^۴ ارائه دادند (هاوکینز، ۱۹۸۳: ۲۷۷). در تقسیم‌بندی این زبان‌ها جایگاه توصیفگرها در هر رده سازه‌ای تعریف و در دو گروه وابسته‌پایانی (VO) و وابسته‌آغازین (OV) دسته‌بندی شدند. برای مثال زبان‌هایی که وابسته‌آغازین هستند، حرف اضافه، حرف تعریف، صفت و ... قبل از وابسته به کار می‌رود، مانند جمله «غذا می‌خورم» در زبان فارسی. در این جمله غذا وابسته است و در جایگاه پیشین به کار رفته. سایر مشخصه‌های زبانی معمولاً قبل از غذا به کار می‌روند: «با قاشق غذا می‌خورم. خوب غذا می‌خورم. با تو غذا می‌خورم.»

در وابسته‌پایانی تصویری متقابل به دست داده می‌شود، به این معنی که جایگاه هسته و وابسته و سایر مشخصات در جهت وارونه نوع اول قرار می‌گیرد. هر دو مورد مربوط به ویژگی‌های زبان‌های هنجار هستند و درخصوص ناهنجار ملاک تشخیص جایگاه مشخصه‌های زبانی در جایگاهی غیرمرسوم است. درنهایت هاوکینز (۱۹۸۳) با این دسته‌بندی سعی بر ارائه الگویی جهان‌شمول درخصوص انتقال اطلاعات با در نظر گرفتن ویژگی‌های ساختی زبان دارد، به طوری که ساخت‌های سنگین و پیچیده در زبان‌های وابسته‌آغازین در جایگاه بعد از فعل و در زبان‌های وابسته‌پایانی در جایگاه قبل از فعل قرار می‌گیرند. ساخت‌های سنگین و سبک در الگوی هاوکینز را می‌توان همان وابسته‌ها نامید که می‌توانند در جایگاه پیش از هسته یا بعد از آن قرار گیرند. این چینش براساس الگوی هاوکینز طوری صورت می‌گیرد که

-
1. T. Venneman
 2. J. Hawkins
 3. harmonic
 4. non-harmonic

وابسته‌های سنگین‌تر در جایگاه بعد از هسته یا فعل و وابسته‌های سبک‌تر قبل از فعل ظاهر می‌شوند. سنگینی و سبکی وابسته در الگوی هاوکینز براساس شمارش تعداد واژه‌ها صورت می‌گیرد. به این ترتیب که هرچه عنصر زبانی بیشتر از یک واژه باشد سنگین و اگر یک مورد باشد سبک تلقی می‌شود، مانند «کتاب حسن» که از دو واژه تشکیل شده و براساس این الگو از ضمیر شخصی «من» که یک واژه است سنگین‌تر است. با چینش سازه‌های سنگین‌تر براساس الگوی هاوکینز سخنور زمان بیشتری برای ادای واژه‌های مورد نظر خواهد داشت و شنونده هم زمان بیشتری برای درک مفهوم جمله.

در زبان فارسی نیز مطالعات گوناگونی در زمینه رده‌شناسی شده‌است (نک فقیری و همکاران، ۲۰۱۴؛ فقیری، ۲۰۱۶؛ فقیری و سامولیان^۱، ۲۰۲۰؛ دبیرمقدم، ۲۰۱۲). در زبان فارسی معیار فقیری و سامولیان (۲۰۲۰) معتقدند که نظریه ساخت‌های سنگین هاوکینز (۱۹۹۴) درخصوص جایگاه پایانی، یعنی بعد از فعل ساخت‌های پیچیده درخصوص زبان فارسی معیار حکم نمی‌کند و فارسی معیار تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهد. آنها سعی می‌کنند الگوی دیگری تحت عنوان وابسته‌سازی عناصر زبانی گیبسون^۲ (۱۹۹۸) را بسنجند. براساس نظریه گیبسون وابسته‌سازی عناصر نقش مهمی در ترتیب و توالی سازه‌های زبان فارسی دارد. دبیرمقدم (۲۰۱۲) الگوی رده‌ای برحسب ویژگی‌های ارائه‌شده درایر (۱۹۹۲) ارائه می‌دهد. نتایج دبیرمقدم حاصل داده‌های پرسشنامه‌هاست. از ایرادات پژوهش وی شرایط آزمایشگاهی تولید جملات است که می‌تواند به نتایجی متفاوت با داده‌های زبانی گفتاری منجر شود.

شریفی (۱۳۸۳) به مطالعه آرایش واژه‌های سه عنصر اصلی جمله فاعل، مفعول و فعل در فارسی معیار معاصر پرداخته‌است. وی به پیروی از دبیرمقدم (۲۰۱۲) با پژوهش پرسش‌نامه‌ای الگوی رده‌ای از زبان فارسی معیار به دست داده که نتایج آن همانند یافته‌های دبیرمقدم است. در سایر زبان‌های ایرانی یوسفیان (۱۳۸۳) زبان بلوچی را در رده‌ای مشابه رده فارسی معیار قرار داده‌است. صفایی اصل (۱۳۹۴) آرایش واژگان در گونه معیار زبان آذربایجانی را دارای همبستگی فراوان با زبان‌های فعل‌پایانی می‌داند. چهارسوقی امین (۱۳۹۵) رده زبان گیلکی بیه‌پسی را جزء زبان‌های فعل‌پایانی قوی قلمداد کرده درحالی‌که زبان فارسی معیار را پژوهشگران پیشین زبانی فعل‌میان‌گزارش کرده‌اند. رضایی و خیرخواه (۱۳۹۵) گویش لری بویراحمدی را از منظر رده‌شناختی مشابه فارسی معیار می‌دانند و گفته‌اند تفاوت زیادی بین این دو گونه زبانی از لحاظ رده‌ای وجود ندارد.

1. P. Samvelian
2. E. Gibson

در داده‌های گفتاری باید توجه کرد که پرسش‌نامه به‌تنهایی برای به دست دادن داده‌های طبیعی زندگی روزمره مردم کافی نیست. در چنین پژوهش‌هایی نیاز به داده‌های کمی براساس مطالعه تعداد مناسب و قابل توجیهی از عناصر زبانی و داده‌های کیفی براساس در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصی و اجتماعی گویشور است تا تناوب‌های مختلف در زبان و گفتار سخنوران ردیابی و کشف گردد. در مطالعه حاضر از روش مختلط کمی و کیفی برای رسیدن به هدف نهایی، یعنی مطالعه چینش و ترتیب سازه‌های زبانی استفاده شده‌است، برای مثال در مرحله اول از ضبط گفتار آزاد گویشور با مضمون سخن و نطقی بدون چارچوب و طبیعی و برای اطمینان از به دست دادن داده‌های لازم از روش پرسشنامه برای مکمل استفاده شد. در گونه گفتاری ارزیاب‌شونده از تمام ابزارهای زبانی خود برای انتقال اطلاعات استفاده می‌کند اما در پرسشنامه تنها به ترجمه برخی جملات که خارج از بافت گفتاری خاصی است جواب می‌دهد، لذا پرسشنامه برای تعمیم جهانی‌های زبان و ارائه نظریه و الگوی زبانی مناسب نیست.

۳- چارچوب نظری

پژوهش حاضر با توجه به چارچوب ارائه‌شده در ایر (۱۹۹۲: ۹۴) با عنوان همبستگی‌های ترتیب واژه‌گرینبرگی بنا نهاده شده‌است. براساس این چارچوب ۵ متغیر اصلی، جایگاه مفعول، صفت، حرف اضافه، سایر عناصر زبانی و مضاف و مضاف‌الیه در مطالعه حاضر بررسی شد. الگوها براساس داده‌های میدانی تحلیل شد. از میان مقوله‌های مختلف مواردی مانند ترتیب سازه‌ها و حروف اضافه (پس و پیش‌اضافه)، جایگاه صفت، جایگاه مفعول و وابسته‌های دیگر تحلیل شد. از دیدگاه در ایر اگر در یک جفت دستوری دو عنصر X و Y با آرایش فعل و مفعول، همبستگی داشته باشند جفت همبستگی^۱ گفته می‌شود. در این جفت همبستگی X هم‌الگو با فعل و Y هم‌الگو با مفعول است. برای نمونه زبان‌های فعل‌پایانی به پس‌اضافه‌ای بودن و زبان‌های فعل‌آغازی به پیش‌اضافه‌ای بودن تمایل دارند، بنابراین جفت (حرف‌اضافه-گروه اسمی) یک جفت همبستگی است که حروف اضافه هم‌الگو با فعل (X) و گروه‌های اسمی همراه آن حروف اضافه، هم‌الگو با مفعول (Y) هستند. از نظر در ایر (۱۹۹۲: ۸۴-۸۵) با توجه به تعداد زیاد ویژگی‌های توالی واژه، تفاوت اساسی میان زبان‌های فعلی-مفعولی (VO) و زبان‌های مفعولی-فعلی (OV) وجود دارد. از نظر وی زبان‌هایی فعل‌آغازین‌اند که در آنها فاعل و مفعول عموماً پس از فعل واقع می‌شوند. این نه‌تنها زبان‌هایی که به‌طور مشخص ترتیب فعل-فاعل-مفعول یا فعل-مفعول-فاعل دارند، بلکه زبان‌هایی که هر دو توالی را دارند و نیز زبان‌های

1. correlation pair

دارای توالی فعل-فاعل و فعل-مفعول را در بر می‌گیرد. درایر براساس موارد مذکور تبیین همبستگی‌ها را برای رابطه میان سازه‌های هم‌الگو با فعل و سازه‌های هم‌الگو با مفعول مطرح می‌کند. در نظریه هسته-وابسته^۱ سازه‌های هم‌الگو با فعل، هسته و سازه‌های هم‌الگو با مفعول وابسته تلقی می‌شوند، از این‌رو در زبان‌های فعل‌پایانی هسته پس از وابسته بررسی می‌شود (درایر، ۱۹۹۲: ۸۴-۸۷). در شناسایی این معیار که کدام عنصر هسته و کدام وابسته است تردیدهایی مطرح شد. برای نمونه در ترتیب صفت+موصوف برخی ترتیب وابسته+هسته را و برخی ترتیب هسته+وابسته را بیان می‌کردند. از این‌رو وی جفت‌های غیرهمبسته^۲، جفت‌های همبسته، جفت‌های بحث‌برانگیز^۳ و جفت‌های همبستگی را که فاقد متمم هستند ارائه می‌دهد. درایر در تبیین جفت‌های دستوری فوق نظریه سوی انشعاب^۴ را مطرح می‌کند و سازه‌های هم‌الگو با فعل را مقوله‌های غیرگروهی یا غیرانشعابی و سازه‌های هم‌الگو با مفعول را مقوله‌های گروهی یا انشعابی لحاظ می‌کند. به عبارت دیگر، سازه‌های گروهی سازه‌هایی هستند که با فعل و سازه‌های غیرگروهی سازه‌هایی هستند که با مفعول همسویند و چینش آنها با تغییر جایگاه مفعول تغییر می‌کند. بنابراین در زبان‌های فعل‌آغازین سازه‌گروهی بعد از سازه غیرگروهی واقع می‌شود. طبق نظریه سوی انشعاب زبان‌ها یا به راست انشعابی یا به چپ انشعابی متمایل هستند (درایر، ۱۹۹۲: ۸۴-۸۹).

۴- روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری ۳۲ تا ۱۰۱ سال است. داده‌ها با مصاحبه و گفت‌وگوی حضوری با ۴۵ نفر و ۴۵ پرسش‌نامه به صورت تصادفی و بدون در نظر گرفتن جنسیت از میان گویشوران بومی بی‌سواد و باسواد که حداقل پدر و پدربزرگ آنان در این منطقه سکونت داشته‌اند و به این گویش سخن می‌گفتند، در قالب ضبط ۶۵ ساعت گفتار آزاد به دست آمد. گویشوران از پروژه مطلع بودند و ضبط صدا با اجازه صورت گرفت. از آنها خواسته شد تا خاطره، داستان یا هر موضوعی را که علاقه دارند کاملاً طبیعی مانند روایتی عامیانه و روزانه بازگو کنند. روش‌شناسی به‌طور کلی بر داده‌های کمی و کیفی متمرکز است تا الگوی مناسبی از ترتیب سازه‌های جمله در لری ممسنی به دست آید. داده‌ها را بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ پژوهشگری ساکن ممسنی ضبط و سپس با دقت بسیار پیاده‌سازی و

1. head-dependent theory
2. non- correlation pairs
3. controversial pairs
4. branching direction theory

آوانویسی کرد. پرسش‌نامه ۳۳۰ جمله دارد و از وبگاه مؤسسه مکس پلانک لایپزیگ دریافت شد. این پرسشنامه برگرفته از اثر کامری (۱۹۸۱) برای رده‌بندی و مقایسه رده‌های زبان‌های جهان است. دلیل ترکیب پرسشنامه و داده‌های گفتار آزاد این است که در گفتار نمی‌توان تمامی گوناگونی‌های زبان را به دست آورد. در گفتار آزاد از گویشوران خواسته شد که از خاطرات، تاریخ منطقه، آداب و چگونگی معیشت و ... صحبت کنند. علاوه بر مصاحبه برای دقت بیشتر در تهیه داده‌ها از آثار دیگری درباره ضرب‌المثل‌ها، اشعار عامیانه، حکایات، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ مردم ممسنی استفاده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

با توجه به معیار درایر (۱۹۹۲) مؤلفه‌های رده‌ای در لری ممسنی به قرار زیرند:

۵-۱- نوع حرف‌اضافه‌ای (پس‌اضافه یا پیش‌اضافه)

داده‌ها نشان می‌دهند که بیشتر حروف اضافه در لری ممسنی از نوع پیش‌اضافه‌ای‌اند. بر این اساس لری ممسنی باید زبانی فعل‌آغازی باشد. گذشته از پیش‌اضافه‌های متعدد یک مورد پس‌اضافه در داده‌ها وجود دارد و آن هم پس‌اضافه «را» است که به شکل /a/ به صورت واژه‌بست به اسم قبل از خود متصل می‌شود. با در نظر گرفتن پس‌اضافه «را» لری ممسنی را باید زبانی فعل‌پایانی در نظر گرفت. برخی حروف اضافه رایج در این گویش برای نمونه:

جدول ۱- گروه حروف اضافه به دست آمده از داده‌های گردآوری شده

حرف‌اضافه	معنا	تعداد	%
Bey	با-همراه	۳۲	۱۹
Va	به-از	۴۳	۲۵
Tey	نزد-پیش	۲۵	۱۵
Si	برای	۱۹	۱۱
Men	درون	۱۵	۹
Bi	بدون	۱۲	۷
Sar	روی	۱۰	۶
Var	کنار-پیش	۵	۳
Hibā	کنار	۲	۱
vadim	به دنبال	۶	۴
تعداد کل		۱۶۹	

در جدول ۱ حرف اضافه بدون در نظر گرفتن جایگاه آنها در ارتباط با فعل و بدون ذکر بسامد آنها آمده است.

مثال (۱) pot-om si Ali šum
واژه‌بست اشم، پخت شام علی برای

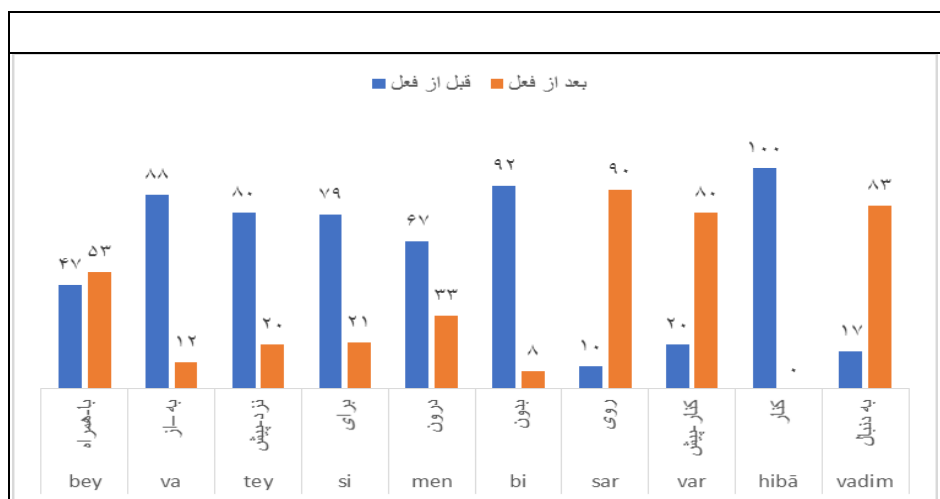
در مثال (۱) حرف اضافه «برای» قبل از وابسته و مفعول به کار رفته است. پس ترتیب سازه حرف اضافه-مفعول غیرمستقیم-فعل است. سایر داده‌های ثبت شده نیز به همین منوال بررسی و تحلیل شده‌اند. جایگاه حرف اضافه و وابسته در جدول (۲) به ترتیب زیر است:

جدول ۲- جایگاه حروف اضافه در جملات دارای مفعول مستقیم

حرف اضافه	معنا	قبل از فعل	%	بعد از فعل	%	تعداد کل
bey	با-همراه	۱۵	۴۷	۱۷	۵۳	۳۲
va	به -از	۳۶	۸۸	۷	۱۲	۴۳
tey	نزد-پیش	۲۰	۸۰	۵	۲۰	۲۵
si	برای	۱۵	۷۹	۴	۲۱	۱۹
men	درون	۱۰	۶۷	۵	۳۳	۱۵
bi	بدون	۱۱	۹۲	۱	۸	۱۲
sar	روی	۱	۱۰	۹	۹۰	۱۰
var	کنار-پیش	۱	۲۰	۴	۸۰	۵
hibā	کنار	۲	۱۰۰	۰	۰	۲
vadim	به دنبال	۱	۱۷	۵	۸۳	۶

جدول (۲) تنها حروف اضافه مستند شده از جملات متعددی را نشان می‌دهد که دارای مفعول مستقیم بوده‌اند. پیش و پس اضافه و جایگاه آنها قبل و بعد فعل به این دلیل مطرح شده‌اند که در الگوی دراپر توالی وابسته‌ها با فعل در نظر گرفته شده نه عناصر زبانی دیگر مانند اسمی که با حروف اضافه نشانه می‌گیرد. به همین شکل حروف اضافه و اسم نشان‌دار شده با هم گروه حرف اضافه‌ای در نظر گرفته شده و جایگاه گروه حرف اضافه‌ای با فعل سنجیده شده است. فعل هسته اصلی بررسی مطالعات رده‌شناسی بوده و به همین دلیل تفاوت‌های رده‌ای از روی این هسته تعیین شده‌اند.

این جدول نشان می‌دهد که بیشتر پیش‌افزافه‌ها در لری ممسنی در جایگاه نخست و آغازین در جمله و قبل از فعل است. در کنار جایگاه آغازین در جمله، حروف پیش‌افزافه در جایگاه بعد از فعل هم قرار می‌گیرند و این یک ویژگی شاخص در لری ممسنی است که آن را به لحاظ رده‌شناسی متمایز کرده‌است. به‌علاوه حضور برخی از پیش‌افزافه‌ها در جایگاه پایانی و بعد از فعل به دلیل اینکه از این طریق رده زبانی تعیین می‌شود بسیار اهمیت دارد. حروف پیش‌افزافه واژگانی از آن جمله هستند که جایگاه رخدادی آنها بعد از فعل است مانند کنار، سر، پشت و ... بیشتر موارد رخداد چنین حروفی در جایگاه بعد از فعل مربوط به حروف اضافه واژگانی به لحاظ هجایی هستند و این همسو با یافته‌های هاوکینز (۱۹۹۴) درخصوص پساسازی جایگاه عناصر سنگین است. چنین تداخل ترتیب سازه‌های لری ممسنی نشان از ترکیب رده این زبان است. نمودار (۱) تفاوت‌های ترتیب سازه‌ای حروف اضافه را در ممسنی نشان می‌دهد:



نمودار ۱- برجسته‌سازی تصویری جایگاه حروف اضافه در لری ممسنی

یکی از حروف اضافه که رخداد بسیار بالایی در جملات لری ممسنی داشته حرف اضافه «به» است که دارای سه تکواژگونه */be/*، */va/* و */a/* است؛ اگر بعد از این حرف اضافه ضمائر متصل و اسم به کار رود از تکواژگونه */va/* استفاده می‌شود؛ یعنی این تکواژگونه قبل از اسم قرار می‌گیرد. (ب) برای سوگند خوردن و درود فرستادن از */be/* استفاده می‌شود. (ج) علاوه بر */va/* تکواژگونه */a/* برای مفعول غیرصریح به اسم پیش از خود می‌چسبد، لذا آن را

واژه‌بست در نظر می‌گیریم. این تکواژگونه */a/* به صورت حروف اضافه در معنای «به»، «از» و «را» مفعولی بعد از اسم به صورت واژه‌بست قرار می‌گیرد. به مثال (۲) توجه کنید:

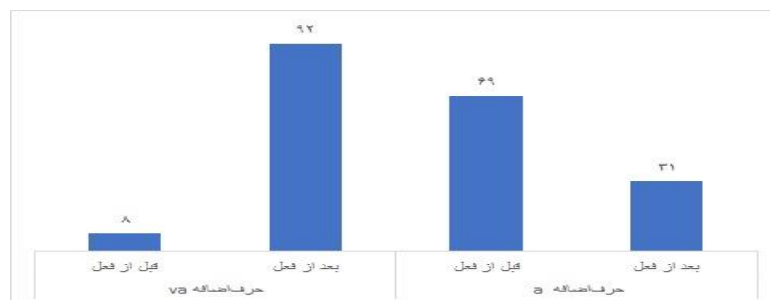
مثال (۲) *got-om* *bow-t=a*

واژه‌بست اشم-گفت حرف اضافی-واژه‌بست مالکیت اشم-پدر
«به پدرت گفتم»

در مثال حرف اضافه */a/* معادل «به» در فارسی معیار به شکل واژه‌بست به کار رفته و این در تضاد کامل با فارسی معیار است. برخی زبان‌های ایرانی مانند کردی، شوشتری، هندیجانی و ... چنین ویژگی‌ای دارند. مثال امکان اتصال واژه‌بست */a/* را به «پدر» نشان می‌دهد. رخداد حرف اضافه «به» و واژه‌بست */a/* به شکل زیر است:

جدول ۳- جایگاه گروه حروف اضافه */va/* و */a/* معادل «به» در جملات متعدی و لازم

حرف اضافه <i>/a/</i>		حرف اضافه <i>/va/</i>		
بعد از فعل	قبل از فعل	بعد از فعل	قبل از فعل	
۴	۹	۱۶۷	۱۵	
۳۱	۶۹	۹۲	۸	%
۱۳		۱۸۲		تعداد کل



نمودار ۲- جایگاه حروف اضافه */va/* و */a/* معادل «به» در جملات متعدی و لازم

جدول (۳) توزیع گروه حرف‌اضافه‌ای شامل پس و پیش اضافه را در ارتباط با فعل در جملات لازم و متعدی نشان می‌دهد. پس و پیش اضافه تنها در ارتباط با اسمی که نشان‌دار شده مشخص می‌شود و جایگاه بعد و قبل فعل اشاره به چینش تمامی گروه حرف‌اضافه‌ای دارد. جملات لازم و متعدی به این دلیل تفکیک شده‌اند تا بتوان مشخص کرد که آیا حضور سایر عناصر زبانی تداخلی در ترتیب سازه‌های گروه حرف اضافه خواهد داشت یا نه تا بتوان

آن را با توضیحات تکمیلی هاوکینز مبنی بر قرار گرفتن عناصر زبانی سنگین بعد فعل و عناصر سبک قبل از فعل توجیه کرد. این جدول نشان می‌دهد که حرف اضافه مستقل با گروه حرف اضافه بیشتر در جایگاه قبل از فعل قرار دارد و همچنین واژه‌بست /a/ که به فعل چسبیده دیگر جزء گروه اضافه‌ای مرتبط با اسم نیست بلکه بخشی از عناصر و اجزای فعل در نظر گرفته شده‌است. از همین رو حرف اضافه مستقل میزان انعطاف بیشتری در خصوص چینشی گروه اضافه نشان می‌دهد و موارد قبل بسامد بالایی را نشان می‌دهند اما حرف اضافه چسبان انعطاف کمتری نشان می‌دهد و اسم نشان‌دار شده باید در جایگاه بعد از فعل پدیدار شود. از نکات بسیار متمایز دیگر در این جدول رخداد بسیار بالای حرف اضافه دستوری /va/ معادل «به» در جایگاه بعد از فعل (92%) و قبل از اسم است. چنین بسامدی در موقعیت بعد از فعل بسیار نادر و ویژه است. اهمیت این ویژگی آن است که براساس الگوی درایر پیش‌بینی می‌شود که حروف پس‌اضافه در جایگاه بعد از فعل و حروف پیش‌اضافه در جایگاه قبل از فعل قرار گیرند. در خصوص چنین جایگاهی لری ممسنی هر دو جایگاه را برای حروف پیش‌اضافه نشان می‌دهد و حتی بسامد بسیار بالای آن در جایگاه بعد از فعل حاکی از آن است که از لحاظ رده‌ای در دسته‌بندی درایر نمی‌گنجد:

مثال (۳)	dâ	nâhâr	ali	va	(الف)
	۳ش‌م محذوف-داد	ناهار	علی	به	
	ali	va	dâ	nâhâr	(ب)
	علی	به	۳ش‌م	ناهار	
					محذوف-داد

«به علی ناهار داد.»

در خصوص حرف اضافه /a/ شکل دیگر حرف اضافه «به» تعداد نادر اتفاق افتاده که بیشتر واژه‌بست‌هایی هستند که به اسم چسبیده‌اند و در جایگاه قبل از فعل قرار می‌گیرند. واژه‌بست /a/ معنای دومی هم می‌تواند داشته باشد. علاوه بر معنای «به» که در داده‌های این مطالعه یافت شده‌اند، باید اشاره کرد که این واژه‌بست‌ها به معنای «را» نیز به کار برده می‌شوند و همیشه به صورت واژه‌بستی به پس از مفعول متصل می‌شوند، در صورتی که مفعول به واکه ختم شود، یک همخوان میانجی /n/ بین واژه مفعول و نشانه مفعولی قرار می‌گیرد. چنین مواردی نیز در داده‌ها موجود است لذا تنها واژه‌بست‌هایی در جدول بالا مطرح شده‌اند که نقش معادلی «به» دارند.

۵-۲- توالی هسته اسمی و بند موصولی

در لری ممسنی در جمله‌های مرکب، هسته اسمی قبل از بند موصولی ظاهر می‌شود. برای سنجش بسامد این ترتیب سازه‌ای نتایج در جدول ۴ خلاصه شده‌اند. داده و بسامد رخداد مستخرج از داده‌های میدانی نویسنده است.

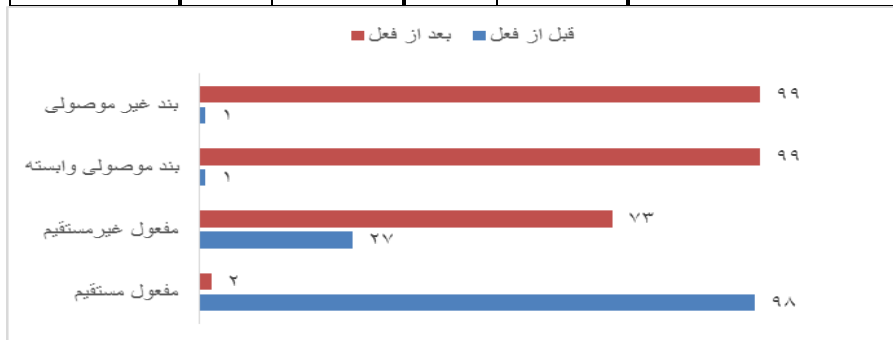
مثال (۴) asp-i ke tey-š bi-n-a ešnaxt-om

واژه‌بست اش‌م- واژه‌بست ض‌ش‌م-پیش که واژه‌بست نکره-
شناخت مفعولی-بودن اسب
مضارع
«اسبی که پیشش بود را می‌شناختم.»

داده‌های پژوهش درخصوص جایگاه هسته اسمی و بند موصولی نتایج زیر را نشان می‌دهد:

جدول ۴- جایگاه و توزیع هسته اسمی و بند موصولی در ترتیب سازه‌های لری ممسنی (بسامدها مستخرج از داده‌های میدانی نویسنده)

تعداد کل	بعد از فعل		قبل از فعل		
	تعداد	%	تعداد	%	
۲۳۴	۴	۲	۲۳۰	۹۸	مفعول مستقیم
۱۸۲	۱۳۲	۷۳	۵۰	۲۷	مفعول غیرمستقیم
۱۸۹	۱۸۷	۹۹	۲	۱	بند موصولی وابسته
۸۶	۸۵	۹۹	۱	۱	بند غیرموصولی



نمودار ۳- جایگاه و توزیع هسته اسمی و بند موصولی در ترتیب سازه‌های لری ممسنی

جدول (۴) پراکندگی عناصر مختلف زبانی مانند مفعول مستقیم و غیرمستقیم و بند موصولی وابسته و غیروابسته را در جایگاه مرتبط با فعل نشان می‌دهد. داده‌ها شامل جملات

لازم و متعدی هستند. نتایج و ارقام نشان می‌دهد که مفعول مستقیم به‌صورت بارزی در جایگاه قبل از فعل و مفعول غیرمستقیم در جایگاه بعد از فعل قرار دارد. جایگاه مفعول در ترتیب سازه‌ای بند موصولی وابسته و غیروابسته نقش دارد و محرک جایگزینی این سازه‌ها در جمله هستند. در ۹۹ درصد مواقع بند موصولی بعد از فعل واقع می‌شود. داده‌ها و بسامدها در این جدول نشان می‌دهند که عناصر نشان‌دار شده با حرف اضافه نسبت به عناصر نشان‌دار نشده بسامد بالاتری دارند که در جایگاه بعد از فعل ظاهر شوند. این نشان می‌دهد که گروه‌های حرف‌افزای از گروه‌های اسمی بدون حرف اضافه سنگین‌تر هستند و بر نظریه‌هاوکینز (۱۹۹۴: ۳۱۷) گرایش بیشتری وجود دارد که عناصر سنگین در جایگاه بعد از فعل قرار گیرند. وجود بسامد بالای عناصر زبانی در جایگاه فعل نشان می‌دهد که لری ممسنی زبان فعل‌آغازین است. مواردی که دارای بسامد پایین هستند و در جایگاه قبل از فعل قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که این جایگاه نشان‌دار است.

۵-۳- توالی مضاف و مضاف‌الیه

در لری ممسنی، مضاف قبل از مضاف‌الیه ظاهر می‌شود. مضاف و مضاف‌الیه در گونه‌ی فوق هم با کسره اضافه و هم بدون آن بیان می‌شود. حذف کسره اضافه فرایندی ناگزیر در زبان است. در اصل قاعده‌ی زبانی در مسیری می‌رود که حذف جزء اولویت‌های آن برای صرفه‌جویی در گفتار و نوشتار است. میان مضاف و مضاف‌الیه واژه‌بست /e/ که رابطه‌ی اضافه برقرار می‌کند نیز وجود دارد (نک مقاله هیگ^۱، ۲۰۱۱: ۲۶۳-۳۹۰). نشانه‌ی اضافه زمانی که مضاف به‌واکه ختم شود به‌صورت همخوان میانجی /y/ به اسم می‌پیوندد. به مثال شماره ۵ توجه کنید:

مثال (۵) behun-(e) melā Reza sot

۳ش م - سوخت ملارضا واژه‌بست کسره اضافی - چادر

«چادر ملارضا سوخت.»

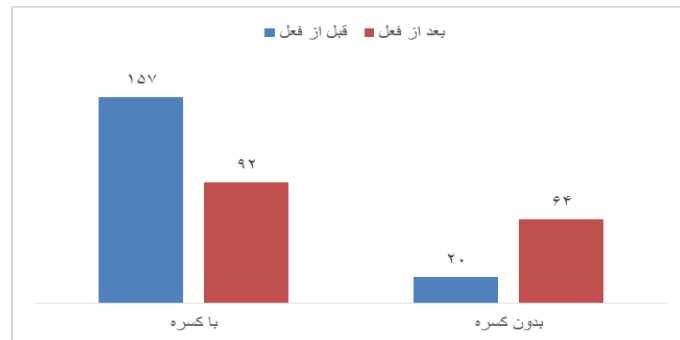
در این مثال چادر ملارضا می‌تواند با کسره اضافه باشد یا بدون آن. هر دو حالت درست و در گفتار رایج است.

مثال (۶) hojre-y Mataqi dir bi

۳ش م - بود دور محمدتقی واج میانجی - مغازه

«مغازه محمدتقی دور بود.»

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که توالی مذکور ۱۰۰٪ است و لری ممسنی هیچ تنوعی در این خصوص ندارد. نمودار (۴) تمایز بارز میان دو نوع مضاف و مضاف‌البه با کسره و بدون کسره اضافه را نشان می‌دهد، هر دو حالت در لری ممسنی وجود دارد (نک مثال ۵).



نمودار ۴- جایگاه و توزیع مضاف و مضاف‌البه با کسره و بدون کسره اضافه در لری ممسنی

۵-۴- توالی صفت و مبنای مقایسه

در لری ممسنی، هر دو آرایش صفت+ مبنای مقایسه و هم آرایش مبنای مقایسه+صفت رایج است. صفت تفضیلی با اضافه کردن /-tar/ به صفت مطلق ساخته می‌شود. حرف اضافه «از» به صورت دو تکواژگونه /va/ به صورت پیش‌اضافه و /a/ به صورت پس‌اضافه کاربرد دارد. حرف اضافه هم قبل و هم بعد از متمم صفت برتر می‌تواند واقع شود.

مثال (۷) zelāltar a ow biy-en

۳ش-ج-بود آب از شفاfter

«زلال‌تر از آب بودند.»

مثال (۸) va ow zelāltar biy-en

۳ش-ج-بود شفاfter آب از

«از آب زلال‌تر بودند.»

برای ساخت صفات عالی در لری ممسنی از چند روش استفاده می‌شود که محدود به یک تکواژ خاص نیست. لری ممسنی از سه روش فوق جهت نشان دادن صفت عالی بهره می‌گیرد: الف) متمم صفت تفضیلی زمانی که اسم جمع، ضمیر نامشخص، به همراه اسم مفرد و یا اسم جمع بیاید در معنای صفت عالی است:

مثال (۹) $bi-\emptyset$ ve va hama xordelutar

۳م-بود کوچیک‌تر همه از او

«او از همه کوچک‌تر بود.»

ب) صفت عالی با اضافه کردن وند ($-farin$) به همراه ضمیر اشاره جمع:

مثال (۱۰) $bi-\emptyset$ un-gal Zeynab malustarin

۳م-بود علامت جمع-آن زیباترین زینب

«زینب قشنگ‌ترین آنها بود.»

ج) از فرایند تکرار جهت ساخت صفت عالی نیز در لری ممسنی استفاده می‌گردد؛ یعنی صفت

مطلق دو بار بعد از اسم تکرار می‌گردد:

مثال (۱۱) $bi-\emptyset$ un-gal Sorāb xub xub

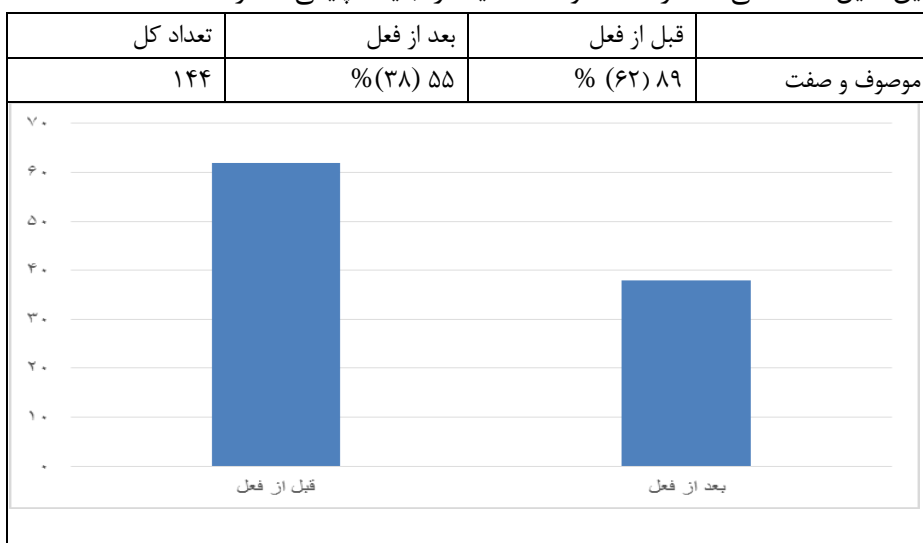
واژه‌بست ۳م-بود علامت جمع-آن خوب خوب سهراب

«سهراب بهترین آنها بود.»

درخصوص این مؤلفه نیز برخلاف حروف اضافه و تناوب جایگاهی عناصر نحوی، هیچ رده

متفاوتی ثبت نشد. لذا لری ممسنی در این خصوص دارای ویژگی‌های زبانی فعل‌پایانی است

به این دلیل که تمامی عناصر مضاف و مضاف‌الیه در جایگاه پایانی ظاهر شدند.



نمودار ۵- توزیع پراکندگی موصوف و صفت در جایگاه‌های مختلف جمله

نمودار (۵) نشان می‌دهد با اینکه در لری ممسنی صفت و موصوف در جایگاه بعد از فعل هم ظاهر می‌شوند اما بسامد استفاده از صفت و موصوف قبل از فعل بیشتر است. با توجه به الگوی درایر فرضیه این است که ما شاهد رخداد چنین عناصری در جایگاه قبل از فعل باشیم و نمودار ۵ چنین فرضیه‌ای را ثابت می‌کند. در این نمودار جایگاه موصوف و صفت با بسامد بالایی قبل از فعل قرار دارد. همچنین تعداد قابل توجهی نیز در جایگاه بعد از فعل قرار دارند که خارج از موضوع این مقاله است.

۵-۵- توالی فعل و قید حالت

قید حالت در لری ممسنی در جایگاه‌ها و ترتیب‌های مختلفی از جمله قبل و بعد از فعل قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از پراکندگی جایگاه قید حالت در جمله در نمونه‌های ذیل مشهود است.

مثال (۱۲) zan-aku hemar gerivesa bi-∅

۳م-بود گریه‌گذشته کامل به آرامی حرف تعریف-زن

«زن به آرامی گریه کرده بود.»

مثال (۱۳) yavāš va huna ra-∅

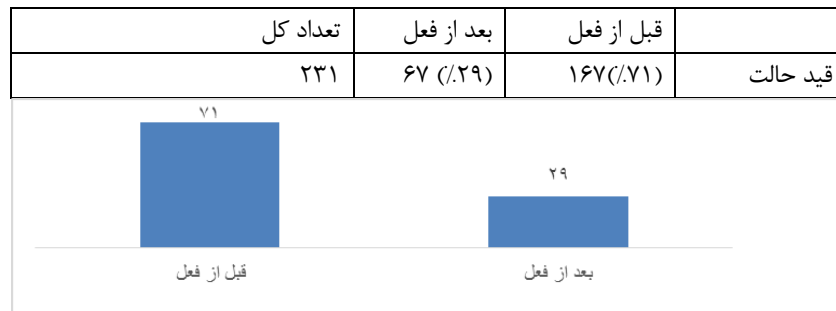
۳م-رفت خانه آرام به

«آهسته از خانه رفت.»

مثال (۱۴) i-xar-om yavāš yavāš išā be-xar-it

۲م-خور-حرف امر شما یواش یواش واژه‌بست ۱م-خور-استمرار

«می‌خورم یواش یواش، شما بخورید.»



نمودار ۶- توزیع پراکندگی قید حالت در جایگاه‌های مختلف جمله

نمودار شماره (۶) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد جایگاه قید حالت مربوط به جایگاه قبل از فعل و ۲۹٪ نیز در جایگاه بعد از فعل است. نکته‌ی حائز اهمیت این است که جایگاه قبل از فعل مشابه یافته‌های پیشین در خصوص فارسی معیار است درحالی‌که ۲۹٪ در مطالعات پیشین در فارسی معیار گزارش نشده‌است. چنین حالتی در گویش‌ها و زبان‌های مجاور نیز یافت شده اما در لری ممسنی بسامد فراوانی دارد. مروری کلی بر داده‌های درزبانی نشان می‌دهد که بیشتر افراد مسن‌تر چنین توالی زبانی را نشان می‌دهند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی رده‌ای لری ممسنی و تشخیص جایگاه آن در زبان‌های جهان است. چارچوب نظری برگرفته از درایر (۱۹۹۲) بود. براساس نظریه جهانی گرینبرگ (۱۹۶۳) زبان‌های جهان دارای سه ترتیب واژه‌ای فعل پایانی، فعل میانی و فعل آغازین هستند. درایر (۱۹۹۲) در مطالعه خود با تعیین مؤلفه‌هایی برگرفته از مؤلفه‌های گرینبرگ رده‌ای جدید را ارائه می‌دهد که شامل فعل پایانی و فعل آغازین است. عوامل مختلف زبانی در اثر درایر (۱۹۹۲) از جمله توالی حروف اضافه و فعل، عناصر نحوی و جایگاه آنها در جمله مطرح شده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی شدند. به‌طور کلی توصیف رده‌شناختی ترتیب واژه در لری ممسنی، از شاخه‌های لری جنوبی غربی در استان فارس، از نظر مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که لری ممسنی به لحاظ رده‌شناختی جزء کدام‌یک از زبان‌های فعل پایانی یا فعل آغازی لحاظ می‌گردد.

در بیست و چهار مؤلفه درایر، رده‌های زبانی به دو دسته تقسیم شده‌اند (درایر، ۱۹۹۲: ۹۶). داده‌های به‌دست‌آمده از لری ممسنی که برای تمامی مقوله‌های مورد نظر بالا ارزیابی و سنجیده شده‌اند نشان می‌دهد که این گونه زبانی نمی‌تواند در یکی از رده‌های زبانی قرار گیرد، بلکه در رده‌ای ترکیبی قرار دارد. برحسب یک مؤلفه درجه رده‌ای زبانی در این گونه نیز تغییرات بارزی نشان می‌دهد. برای مثال رده زبانی براساس مؤلفه حرف اضافه‌ای تنوع بسیار زیادی در این گونه دارد. هم پس‌اضافه و هم پیش‌اضافه در این زبان به کار می‌رود. تعداد پیش‌اضافه‌ها نسبت به پس‌اضافه‌ها بسیار بیشتر است و براساس مؤلفه پیش‌اضافه این زبان باید فعل آغازین تلقی شود. اما با وجود پیش‌اضافه‌ها، این حروف اضافه می‌توانند قبل از فعل و بعد از فعل در هر جای جمله قرار بگیرند. چنین متغیری در تناقض با دسته‌بندی رده‌ای درایر

است به این دلیل که زبان فعل‌آغازین باید به صورت غالب دارای پیش‌اضافه، و جایگاه پیش‌اضافه نیز باید بعد از فعل باشد. در خصوص مؤلفه‌های دیگر، جایگاه بند موصولی نیز به همین شکل تنوع زیادی نشان می‌دهد ولی به صورت غالب جایگاه آنها در موقعیت بعد از فعل است. سایر مؤلفه‌های درایر به صورت غالب در لری ممسنی در موقعیت ثابت‌تری هستند. در یافته‌های آماری از تمامی مؤلفه‌ها لری ممسنی را می‌توان در رده‌ای سوم یعنی فعل‌میانی قرار داد چون تمایل زبانی بیشتر در این جایگاه است. همچنین شباهت‌های قابل توجهی با فارسی معیار از نظر مشخصه‌های رده‌شناختی در ترتیب واژه هم در گروه زبان‌های اروپا-آسیا و هم در گروه زبان‌های جهان دارد. تفاوت اساسی در این زمینه در خصوص حروف اضافه و عناصر نحوی و توالی قید حالت و فعل است که تفاوت‌هایی با فارسی معیار و سایر داده‌های رده‌ای جهانی نشان می‌دهد. برخی از حروف اضافه در لری ممسنی دارای تکواژگونه‌های هستند که هم قبل و هم بعد از اسم واقع می‌شوند و همچنین گروه حرف اضافه در مواردی قبل از فعل و در مواردی بعد از فعل واقع می‌شوند. قید حالت در لری ممسنی هم قبل و هم بعد از فعل واقع می‌شود که مغایر با فارسی معیار است. در خصوص برخی عناصر نحوی نتایج نشان‌دهنده مسیر جدای این گونه زبانی به لحاظ رده‌ای از فارسی معیار و بسیاری از زبان‌های مطرح‌شده در رده‌شناسی زبان است.

از نظر رده‌شناسی، لری ممسنی نسبت به فارسی معیار به رده فعل‌میانی تمایل بیشتری دارد. از آنجاکه لری ممسنی مانند دیگر زبان‌های ایرانی نو در مؤلفه‌های توالی حرف اضافه، هسته اسمی و بند موصولی، مضاف و مضاف‌الیه و توالی موصوف و صفت در زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های جهان، قید حالت چپ انشعابی و هم راست انشعابی است همانند سایر زبان‌های ایرانی نو از نظر مؤلفه‌های رده‌شناسی وضعیتی با رده بینابین (آمیخته) در حد میان زبان‌های رده فعل‌میانی قوی و زبان‌های فعل‌پایانی قوی دارد.

پی‌نوشت

1. <https://www.eva.mpg.de/lingua/tools-at-lingboard/questionnaires.php>
۲. درایر الگویی برای رفع ابهام برای زبانی که ویژگی‌های فعل‌آغازی و پایانی است ندارد و تنها به ذکر ویژگی‌های رده‌ای فعل‌آغازین و پایانی اکتفا می‌کند. لری ممسنی مانند فارسی رده‌ای ترکیبی دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲) و در چارچوب الگوی درایر نمی‌گنجد. برای رده لری ممسنی نک نتیجه‌گیری.

منابع

- چهارسوقی‌امین، ت. ۱۳۹۵. «بررسی رده‌شناختی زبان گیلکی بیه‌پسی براساس مؤلفه‌های ۲۴گانه درایر». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران* ۵(۳): ۲۹-۵۶.
- داوری، ش، کوبی، ب. ۱۳۹۶. «ترتیب وند و واژه‌بست در گویش مازندرانی: رویکرد اصل ارتباط». *زبان‌شناسی گویش‌های ایران*، ۱(۲): ۴۵-۷۵.
- داوری، شادی و گیونشویلی، ه. ۱۳۹۲. «تثبیت ترتیب واژه در فارسی: معیار دستوری‌شدگی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. به کوشش: م نغزگوی کهن، تهران: نویسه. ۱۴-۲۷.
- دبیرمقدم، م، ۱۳۹۲. *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، تهران: سمت.
- رضایی، و؛ م. خیرخواه. ۱۳۹۵. «رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران*، ۵(۴): ۴۱-۵۸.
- رضایی، ع. ۱۳۸۸. *تاریخ، جغرافیا و فرهنگ مردم ممسنی*، فریاد کویر: ممسنی.
- شریفی، ش. ۱۳۸۳. *توصیف و تبیین آرایش واژه‌ها در فارسی معاصر براساس ملاحظات رده‌شناختی*. رساله دکتری. دانشگاه فردوسی مشهد.
- صفایی اصل، ا. ۱۳۹۴. «رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹(۱): ۱۶۳-۱۸۴.
- یوسفیان، پ. ۱۳۸۳. *توصیف رده‌شناختی زبان بلوچی*. رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- Comri, B. 1981. *Language universals and Linguistic Typology*. Chicago: University of Chicago Press, 96-108.
- Dabir-Moqhadam, M. 2012. *Linguistic Typology: An Iranian perspective*. *Journal of Universal Language*, 13(1), 31-70.
- Dryer, M.S. 1992. *The Greenbergian word-order correlations*. *Language*, 68, 81-138.
- Faghiri, P. 2016. *La variation de l'ordre des constituants dans le domaine préverbal en persan: approche empirique*. PhD Thesis- 33-45.
- Faghiri, P & Samvelian, P. 2020. *Word order preferences and the effect of phrasal length in SOV languages: evidence from sentence production in Persian*. *Glossa: a journal of general linguistics*. 29-43.
- Faghiri, P & Samvelian, P & Hemforth, B. 2014, August. *Accessibility and Word Order: The Case of Ditransitive Constructions in Persian*. In Stefan Muller (ed.) *Proceedings of the 21 st International Conference on Head-Driven Phrase Structure Grammar*, University at Buffalo, 217-237. Stanford, CA: CSSLI Publications-76-84.
- Gibson, E. 1998. *Linguistic complexity: Locality of syntactic dependencies*. *Cognition*, 68(1), 1-76. [https://doi.org/10.1016/S10-0277\(98\)34-1](https://doi.org/10.1016/S10-0277(98)34-1).

- Greenberg, J. 1963. Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements. In J. Greenberg, ed. *Universals of Language*. 73-113. Cambridge, MA-164-182.
- Hawkins, J. A. 1983. *Word order Universals*. Academic Press, New York, London, Sydney. *Lingua*. 191-197, (2-3)70.
- Haig, Geoffrey (2011). "Linker, relativizer, nominalizer, tense-particle: On the Ezafe in West Iranian". In Foong Ha Yap; Karen Grunow-Hårsta; Janick Wrona (eds.). *Nominalization in Asian Languages: Diachronic and typological perspectives*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. pp. 363–390.
- Hawkins, J. A. 1994. *A performance theory of order and constituency* (Vol. 73). Cambridge University Press-64-82.
- Vennemann, T. 1974. *Theoretical Word Order Studies: results and problems*. Paper zur linguistik, 7, 5-25.

An Analysis of The Constituent Order in Mamasani Lori From A Typological Point of View

Maryam Mohammadi¹

Ameneh Zare^{2*}

Mohammad Hossein Sharafzade³

Received: 2021/02/24

Accepted: 2021/05/21

Abstract

Typology of language deals with similarities and differences among different languages in the world. The current research aimed to study the typology of constituent order in Lori dialect of Mamasani as a south branch of Western Iranian languages in Fars province based on the framework of Greenberg (1963) and the revised framework of Dryer (1992). The methodology including qualitative and quantitative data were obtained employing face to face interview with 45 native speakers without considering their gender involving 65 hours of free speech and 45 questionnaires as well. The research shows that Mamasani Lori contains both VO versus OV criteria and manifests strongest type of VO typological properties in Eurasia and world languages. The results also indicated that despite the general similarities of this dialect with standard written Persian, there are some differences in terms of prepositions, structural elements, and the order of verbs and adverb of manner. Furthermore, it was portrayed that some prepositions have different morphemes that can appear both before and after the nouns. The research data also revealed that the prepositions and the adverbs of manner in Mamasani Lori can be located both before and after the verbs, an occupancy behavior which is different from standard written Persian.

Keywords: Constituent Order, Dryer, Language Typology, Mamasani Lori, Typological Criteria

1. Ph.D. Candidate of General Linguistics, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

2. Department of Linguistics, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran. (Corresponding Author)

* Email: a86.zare@yahoo.com

3. Department of Linguistics, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

1. Introduction

In Language Typology, by examining linguistic similarities, researchers try to establish the universality of languages and, accordingly, provide the possibility of studying the main source of linguistic dispersion. One of the main features which received a considerable attention is the study of constituent order in languages.

The aim of the present study is to describe the ordering categories of structures in Mamasani Lori, a Southwestern branch of Iranian languages in Fars province based on the 24 feature model of Dryer (1992). The purpose is to study the linguistic constructs and the position of the variable and the nucleus in relation to other linguistic features. In this regard, the questions of the present paper are as follows: a. “What kind of relationship does exist between different variables in Mamasani Lori?” and b. “Based on the under-studied typological features, what are the similarities between Persian and Mamasani Lori”?

2. Theoretical framework

Extensive research has been performed on the typology of world languages, however, the initiator of this research field is rooted in the seminal work of Greenberg (1963). Language typology in which linguistic varieties are studied has devoted special attention to the study of prepositions. Dryer (1992), through a typological survey, introduces a new paradigm by encroaching on Greenberg's views, according to which the languages of the world are classified into different head initial and head final languages. So the authors of this study follow Dryer's (1992) variable typology which is a modified and extensive form of Greenberg's (1963) typological universals. Based on this framework and among five main variables, the relevant position of direct object, adjective, preposition, and genitive constructions are explored in this study. Based on Dryer's view, if X and Y present correlation with the verb and direct object they are called paired variables. The pair can be in relation to the verb or the direct object. In head final language, it is observed that postpositions occur predominantly, whereas in head initial languages, prepositions occur predominantly. Dryer believes that there is a significant distinction between VO vs. OV languages. In VO languages, subject and object are usually located after the verb, while in OV they are located before the verb. This general rule is also valid for those languages which present both OV and VO word orders.

3. Methodology

The statistical population of this study consist of people aged 32 to 101 years. The face-to-face interviews have been randomly carried out with 45 native people regardless of their gender and literacy in the form of 65 hours (3900 minutes) free speech. There were also 45 related questionnaires distributed. The questionnaire contains 330 sentences adopted from the work of Comrie (1981) to classify and compare the traces of world languages. The aforementioned questionnaire can be downloaded from the website of the Max Planck Leipzig Institute. The data were recorded alternately between the years 2016-2017 by one of the authors who is the resident of Mamasani and consequently were transcribed precisely by IPA (international phonetic alphabet).

4. Results & Discussions

The data show that Mamsani Lori uses prepositions rather than postpositions. One of the postpositions is *ra* which is generally used in the form of a cliticized *=a* attached to the verb stem and the noun so that the other elements follow this clitic. Moreover, prepositions and postpositions can be used alternatively in Mamasani Lori in various positions before or after the verb. In complex sentences and clauses, the noun phrase is generally used before the relative clause and the genitive. Both the GEN-HEAD and the HEAD-GEN are common in Mamasani Lori.

5. Conclusions & Suggestions

The data analysis shows that, regarding constituent order typology, Mamasani Lori cannot be placed in one single type. Rather, Mamasani Lori represents a split-behavior variety. For example, the prepositioned-type shows a great variety in Mamasani Lori, however, postpositions and prepositions are both used. The number of prepositions are much higher than the number of postpositions, and according to the prepositional component, it should be considered as a head initial language. However, despite the nature of prepositions as defined in the typological universals, these prepositions can be placed anywhere in the sentence namely before or after the verb in Mamasani Lori. Such a variable contradicts to the classification of Dryer typology because the head initial languages must have predominantly a preposition and the preposition must be placed after the verb. As for the other components, the position of the relative clause shows the same great variety, but mostly their position is after the verb. Other components of Dryer are predominantly in a more stable position in

Mamasani Lori. Some prepositions in Mamasani Lori have different allomorphic features that can occur both before and after the noun, as well as the prepositional phrases which are mentioned both before and after the verb.

The Adverb of Manner in Mamasani Lori is mentioned both before and after the verb, which is contrary to the standard Persian. It can finally be concluded that Mamasani Lori is in the process of changing due to the linguistic interfering of Persian as the standard and educational language of Iran. This is a result of importance for the researchers of Iranian languages.

Select Bibliography

- Comrie, B. 1981. *Language universals and Linguistic Typology*. Chicago: University of Chicago Press, 96-108.
- Dabir-Moghaddam, M. 2012. Linguistic Typology: An Iranian perspective. *Journal of Universal Language*, 13(1), 31-70.
- Davari, Sh., & Koukabi, B. 2017. Affix and Clitic Ordering in Mazandarani Dialect: A Relevance Principle Account. *Journal of Iranian Dialects Linguistics*, 1(2), 45-72. [In Persian]
- Dryer, M.S. 1992. The Greenbergian word-order correlations. *Language*, 68, 81-138.
- Faghiri, P & Samvelian, P. 2020. Word order preferences and the effect of phrasal length in SOV languages: evidence from sentence production in Persian. *Glossa: a journal of general linguistics*.29-43.
- Greenberg, J. 1963. Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements. In J. Greenberg, ed. *Universals of Language*. 73-113. Cambridge, MA-164-182.
- Hawkins, J. A. 1983. *Word order Universals*. Academic Press, New York, London, Sydney. *Lingua*, 70(2-3), 191-197.
- Safayi-Asl, E. 2015. A Typological study of word order in Persian language. *Journal of Comparative linguistic studies*. 163-184. [In Persian]
- Sharifi, Sh. 2004. *A typological study of word order description and explanation in Contemporary Farsi*. PhD dissertation. Iran: Ferdowsi university of Mashhad. 36-48. [In Persian]
- Vennemann, T. 1974. Theoretical Word Order Studies: results and problems. *Paper zur lingistik*, 7, 5-25